

فرهنگ و امنیت:

چندجانبه گرایی، مهار کردن تسلیحات

و امنیت سازی

Culture and Security: Multilateralism, Arms

Control and Security Building; Keith R. Krause

(editor), Frank Cass Publishers: London and

Portland, First Published, 1999, 253 pp.

کتاب «فرهنگ و امنیت: چند جانبه گرایی، مهار کردن تسلیحات و امنیت سازی» مجموعه‌ای از مقالات برخی صاحب نظران درباره موضوع فرهنگ و امنیت است. در این کتاب می‌توان از اندیشمندانی چون کیث کراس^۱، آندریو لاتام، آمیتا و آچاریا^۲، جینگ دانگ یوان، هال کلاک^۳ و گابریل بن دور^۴، به مقالاتی ارزشمند دست یافت. این مجموعه مقالات را کیث کراس جمع‌آوری و ویرایش کرده است. در روی جلد این کتاب چنین آمده است: «خصیلت منطقه‌ای و چندجانبه بودن امنیت سازی، به جنبه‌های میان فرهنگی^۵ گفتگوهای بین‌المللی اهمیت خاصی بخشیده است. مطالعات موردی این کتاب، این موضوع را بررسی می‌کنند که چگونه و چه هنگام عناصر فرهنگی بروند مهار تسلیحات و سیاست‌ها و مذاکرات امنیت سازی تأثیر می‌گذارند. در این مطالعات موردی، گرایش‌های جمعی، مذهبی و هنجاری به سمت جنگ و صلح؛ آثار استعمارگرایی و دولت سازی؛ گرایش به سوی روابط چندجانبه و منطقه‌ای یا شیوه‌های فرهنگی دیپلماسی و مذاکره؛ سرشت روابط نظامی - غیرنظامی؛ و نگرش اجتماعی به اقتدار، خشونت و مدیریت اختلافات ارزیابی شده‌اند. بابه بحث گذاردن طیفی از دولت‌ها و مناطق مختلف هم‌چون آمریکای لاتین، چین، آسیای جنوب شرقی، هندوستان، خاورمیانه، مؤلفان این کتاب، مفهوم «فرهنگ امنیتی» را به گونه‌ای شرح و بسط داده‌اند که گویی این مفهوم نیز در کنار عوامل دیپلماتیک، سیاسی، راهبردی و اجتماعی بر سیاست‌گذاری امنیتی تأثیرگذار است. اولین مقاله‌ای که در این کتاب، عرضه شده است، مقاله‌ای است با عنوان «جنبه‌های میان فرهنگی گفتگوهای چندجانبه مهار کردن و منع تکثیر تسلیحات»، که آقای کیث کراس، آن را نوشته است. از نگاه نگارنده، در این باره که فرهنگ در شکل‌دهی رفتارهای سیاسی در عرصه بین‌المللی نقش مهمی دارد، نوعی اتفاق نظر وجود دارد. به علاوه فرهنگ در چشم‌انداز امنیت سازی در دوره پس از

جهان، تعریف منافع و چگونگی تعقیب منافع تأثیر می‌گذارند. از این رو می‌توان گفت تغییر عمده سیاست‌ها، تغییر جدی در چارچوب‌های تفسیری را منعکس می‌کند. نویسندگان این مقاله بر این باورند که برای داشتن درک گسترده‌ای از منطلق سیاست‌های مهار کردن و تکثیر نکردن تسلیحات در کشورهای کنونی غربی، بایستی به ساختارهای مفهومی و تصورات مشترک حاکم بر ذهن سیاست‌گذاران و دیپلمات‌های غربی توجه کرد.

مقاله سوم این کتاب «فرهنگ، امنیت، چندجانبه‌گرایی: شیوه آسه آن و نظم منطقه‌ای» است که «آمینا و آچاربا» آن را نگاشته است. «آچاربا» معتقد است همکاری‌های امنیتی در آسیای جنوب شرقی، بویژه در سازمان آسه آن را می‌توان «شیوه آسه آن» توصیف کرد که خود رهیافتی فرهنگی ویژه این منطقه تلقی می‌شود. او در این مقاله، به جنبه‌های متنوع «شیوه آسه آن» مانند پرهیز از پیمان‌های نظامی و «چندجانبه اندیشیدن و دوجانبه عمل کردن» توجه نموده است. این مقاله هم‌چنین به گرایش‌ها و سیاست‌های اعضای آسه آن در قبال موضوع مهار و منع تکثیر تسلیحات می‌پردازد. از نگاه نویسنده، اگر چه سیاست‌گذاران آسه آن، مدعی گسترش فرهنگ مدیریت اختلافات و توسعه همکاری‌های امنیتی هستند، اما این ادعایی اغراق‌آمیز است؛ زیرا با آن که برخی عناصر شیوه آسه آن، ریشه در هنجارهای فرهنگ سنتی دارند، عناصر دیگر این شیوه،

جنگ سرد، تأثیرهای بسیار زیادی بر جای نهاده است. با این وجود، فرهنگ تنها یک عنصر در کنار دیگر عوامل مؤثر بر مذاکرات جهانی و منطقه‌ای و همکاری و رقابت بین دولت‌ها است و احتمالاً به ندرت مهم‌ترین عنصر تلقی می‌شود. اما به‌رغم این حقیقت که عناصر فرهنگی روابط بین‌الملل به سختی تشخیص داده می‌شوند، در میان سیاست‌گذاران مناطق مختلف، این تصور مشترک وجود دارد که عوامل فرهنگی، در گفتگوهای چندجانبه نقش زیادی ایفا می‌کنند. از همین رو است که عده‌ای از سیاست‌گذاران تلاش می‌کنند تا جنبه‌های فرهنگی روند مهار و منع تکثیر تسلیحات را بشناسند و از آن‌ها در جهت ترسیم دنیایی امن‌تر بهره‌گیرند. بررسی‌های موردی این کتاب، گام مهمی برای رسیدن به این هدف است.

دومین مقاله عرضه شده در این کتاب، با عنوان «مهار کردن و منع کثیر تسلیحات: هنجارهای تجربه غربی» است که کیث کراس و آندریو لاتام بدان پرداخته‌اند این مقاله به بررسی شیوه‌های ترسیم سیاست‌های مهار کردن و تکثیر نکردن تسلیحات در فرهنگ امنیتی ویژه غرب می‌پردازد. در این مقاله، این بحث مطرح شده است که تجربه‌های امنیت‌سازی غرب، در عقاید و تصورات مرتبط با تهدید و خطر و نیز تلاش برای دادن پاسخ‌های مناسب ریشه دارد. این عقاید و تصورات به سبب همگونی با ساختارهای فرهنگی غرب، بر چگونگی فهم و تفسیر

با ویژگی‌های رایج در دیگر مناطق فرهنگی، تفاوت چندانی ندارند. نویسندگان هم‌چنین بر این باور است که استقبال کردن کشورهای آسه آن از برنامه‌های مهارت‌تسلیمات ضرورتاً ریشه در عوامل فرهنگی ندارد، بلکه این مسئله را می‌توان در قالب ناآشنایی این ملت‌ها با الگوهای وارداتی مدیریت امنیتی و بدگمانی عمومی به این الگوها توضیح داد. این نکته را نیز بایستی در نظر داشت که گرایش کشورهای آسه آن به مهارت‌تسلیمات و همکاری‌های امنیتی ثابت و ایستاد نیست، بلکه همگام با تحولات ملی، منطقه‌ای و جهانی، آن‌ها نیز دگرگون می‌شوند. نویسندگان در پایان مقاله چنین نتیجه می‌گیرند که کشورهای آسه آن خواستار استفاده از تجربه الگوهای غربی همکاری‌های امنیتی و تطابق این تجربه‌ها در رهیافت امنیتی خودشان هستند.

در چهارمین مقاله، جینگ دانگ یوان، رهیافت فرهنگی چین به موضوع خلع سلاح، مهارت‌تسلیمات را بررسی می‌کند. در این مقاله، جنبه‌های فرهنگی - راهبردی سیاست‌های امنیتی چین معاصر و رهیافت ویژه این کشور به مسائل مهارت‌کردن و تکثیر نکردن تسلیمات به بحث گذاشته شده است. از نظر نویسندگان، چگونگی تصور چین از تهدیدها و امنیت در هزاران سال تحت تأثیر دو پارادایم فرهنگی - راهبردی متمایز اما نزدیک به هم بوده است: باور کنفوسیوسی به رعایت اخلاق و نفی خشونت، و تأکید صاحبان قدرت بر استفاده از زهد. این نمای کلی، فضای گسترده‌ای را فراهم می‌کند که در

آن روش‌ها و راهبردهای ویژه، شیوه‌های مذاکره و سیاست‌های مهارت‌وضع تکثیر تسلیمات چین شکل می‌گیرد. در این مقاله هم‌چنین این بحث مطرح شده که شیوه مفهومی ساختن، تعریف کردن و شکل دادن منافع امنیت ملی چین تحت تأثیر تجربه‌های بی‌مانند تاریخی - فرهنگی آن است، بنابراین از این طریق می‌توان تفکر صاحبان قدرت را در چین درباره سیاست‌های مهارت‌وضع تکثیر تسلیمات فهمید.

پنجمین مقاله این کتاب به بررسی نقش فرهنگ و هویت در تجربه خلع سلاح و مهارت‌تسلیمات هندوستان می‌پردازد. آندریو لاتام در این مقاله، این نظر را مطرح کرده است که دینامیک فرهنگ امنیتی هندوستان، مانع بزرگی در سیر توسعه نظام همکاری امنیتی در جنوب آسیا و وارد کردن این کشور در ترتیبات جهانی مهارت‌وضع تکثیر تسلیمات به شمار می‌آید. هندوستان هیچ نفع واقعی در شریک شدن در نظام همکاری امنیتی منطقه نمی‌بیند! زیرا فرهنگ امنیتی هندوستان بر خوداتکایی تأکید می‌کند. به علاوه تفکر راهبردی حکومت هندوستان به جو امنیتی بین‌المللی که قدرت‌های غربی تبلیغ می‌کنند، باور ندارد و بر حفظ برتری به عنوان عامل اصلی حفظ صلح و ثبات منطقه‌ای تأکید می‌نماید. با به حساب آوردن این دلایل فرهنگی، نویسندگان معتقد است گسترش فرآیند تکثیر نکردن تسلیمات در هندوستان، به دشواری صورت می‌گیرد.

در ششمین مقاله، هال کلباک، به بررسی

روند مهار و منع تکثیر تسلیحات از دو طرف است. با وجود این، نویسنده معتقد است ارزش‌های فرهنگی ثابت و ایستا نیستند. هم‌اکنون ارزش‌های غربی در خاورمیانه نفوذ کرده است. مسأله مهم‌تر این است که رهبران و سیاست‌گذاران اعراب و اسرائیل پیوسته در تماس با فرهنگ غربی و تحت تأثیر ارزش‌های غربی هستند. آنان از فرهنگ جهانی مشترکی تغذیه می‌شوند که متعهد به مذاکرات صلح است. این موضوع احتمالاً باعث ایجاد هنجارهای فرهنگی می‌شود که به تحقق گفتگوهای راهبردی یاری خواهد رساند.

صفحات پایانی این کتاب به نتیجه‌گیری از مباحث، از دید کیث کراس اختصاص داده شده است. از نگاه او برای تنظیم برنامه‌های امنیت‌سازی در مناطق مختلف، چهار نکته را باید در نظر داشت. اولاً هنگامی می‌توان به روندهای امنیت‌سازی بیشتر امیدوار بود که این روند بر اساس تجربه‌های فرهنگ بومی بنا نهاده شده باشد. طرح‌هایی که بر اساس سنت‌های قدیمی چندجانبه‌گرایی در میان کشورهای یک منطقه عرضه می‌شوند در مقایسه با طرف‌های برگرفته از تجربه‌های غربی شانس موفقیت بیشتری دارند. نکته دوم این که، روند امنیت‌سازی در صورت امکان باید به صورت چندجانبه نیز دنبال شود و لزوماً نایستی در عرصه جهانی در جستجوی آن بود. این روند نایستی از عرصه دوجانبه به عرصه‌های چندجانبه ارتقاء یابد و همزمان از عرصه جهانی تا عرصه‌های منطقه‌ای دنبال

جنبه‌های میان فرهنگی گفتگوهای مهار و منع تکثیر تسلیحات در آمریکای لاتین می‌پردازد. نویسنده این مقاله، خواهان ارزیابی این مسئله است که تا چه حد عوامل فرهنگی در آمریکای لاتین، بر گرایش کشورهای منطقه‌ای به سمت گفتگوهای مهار و منع تکثیر تسلیحات، تأثیر می‌گذارد. در این فصل، تصویر امنیت تاریخی آمریکای لاتین و میراث باقیمانده در زمینه امنیت، تحولات جدید در امنیت آمریکای لاتین و میزان تأثیر عوامل فرهنگی بر امنیت این منطقه بررسی و ارزیابی شده است. به نظر نویسنده، آمریکای لاتین تا حدودی زیر تأثیر غرب و بویژه آمریکا است. تأثیر فرهنگی غرب به مرور زمان و بویژه در میان نخبگان آمریکای لاتین گسترش یافته است، با وجود این، آمریکای لاتین هم‌چنان فرهنگ خاص خود را حفظ کرده است. با دانستن این مسائل، بهتر می‌توان درباره فرهنگ امنیتی آمریکای لاتین و منطق حاکم بر رفتارهای نخبگان سیاسی در زمینه‌های امنیتی قضاوت کرد.

فرهنگ منطقه‌ای و مسئله مهار و منع تکثیر تسلیحات در خاورمیانه، عنوان آخرین مقاله این کتاب است که گابریل بن‌دور، آن را نوشته است. نویسنده این مقاله، بر موضوع جنبه‌های فرهنگی گفتگوهای اعراب و اسرائیل تمرکز کرده است. به نظر نویسنده، گفتگوهای اعراب و اسرائیل، ناشی از مسائلی چون تفاوت‌های فرهنگی بین اعراب و اسرائیل، پندار نامطلوب هر یک از دو طرف از یکدیگر، و مخالفت فرهنگ - محور با

شود. سومین مسئله این که، سیاستگذاران بایستی از تفکر کسانی سود جویند که با در نظر گرفتن فرهنگ امنیتی در هر منطقه قادر به شکستن الگوهای تثبیت شده و تنظیم برنامه‌های دقیق امنیتی هستند. نکته آخر این که با هدف تحول در هنجارها بایستی از تقویت جوامع سیاسی فراملی حمایت کرد. ایجاد یک جامعه فرهنگی موفق در یک

منطقه می‌تواند به شکل‌گیری یک فرهنگ امنیتی مشترک منجر شود. در این راستا، نقش سازمان‌های غیردولتی که حوزه عملی جدای از مرزهای ملی دارند، مهم است. البته در کنار تقویت این جوامع سیاسی فراملی، تحول سیاست‌های داخلی را نیز باید دنبال کرد.

حمید زنگنه

1. Keith Krause

2. Andrew Latham

3. Amitav Acharya

4. Jing-Dong Yuan

5. Hal Klepak

6. Gabriel Ben-Dor

7. Cross-Cultural



ژوئیه ۱۳۹۰
مجله مطالعات فرهنگی و اجتماعی
سال چهارم، شماره اول